

The Effect of Spiritual Intelligence Training on Adaptability, Accountability and Legislation among 14-16 Year-Old Male Students

Firoz Tizro-Toly¹, Tavakkol Mosazadeh*², Reza Kazemi²

1. PhD student Educational Psychology, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

*Corresponding Author: Tavakkol Mosazadeh, Department of Psychology, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Email: T.mousazadeh@iauardabil.ac.ir

Received: 28 March 2019

Accepted: 27 April 2019

Published: 31 December 2019

How to cite this article:

Tizro-Toly F, Mosazadeh T, Kazemi R. The Effect of Spiritual Intelligence Training on Adaptability, Accountability and Legislation among 14-16 Year-Old Male Students. *Salamat Ijtimai (Community Health)*. 2020; 7(2):146-155. DOI: <http://doi.org/10.22037/ch.v7i2.25348>.

Abstract

Background and Objectives: Various solutions have been proposed to improve adaptability, accountability, and legislation among adolescence, one of which is the legitimacy of students. The objective of this study was to determine the effect of spiritual intelligence training on adaptability, accountability and legality among male students aged 14-16 years.

Materials and Methods: The present study was a semi-experimental design with pre-test, post-test and control group. The statistical population of the study included all the 700 14-16 year old male students in the city of Talesh in the academic year 2017-18, among whom 108 were selected by random sampling. Data were collected via a questionnaire of accountability, legality and social adjustment. Data analysis was performed using multivariate covariance analysis (MANCOVA) and using SPSS software version 22.

Results: The study showed that after the spiritual intelligence training, the mean (SD) lawfulness score increased from 30.1 (6) in the pre-test to 35 (7.2) in the post-test, $P < 0.001$. The mean (SD) accountability score was increased from 52.4 (9.4) to 70.6 (12.3) in the post-test, $P < 0.01$. The mean (SD) social adjustment score increased from 70.2 (11.6) in the pre-test to in 81.1 (15.5) in the post-test, $P < 0.001$. The mean (SD) scores of participants in the control group in the post-test was not significantly different form the pre-test for any of the variables.

Conclusion: The study showed that spiritual intelligence training increased the compatibility, accountability and legitimacy of students.

Keywords: Spiritual intelligence training; Adaptability; Accountability; Legitimacy; Students.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.

Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.

Ethical code: IR.ARUMS.REC.1398.021.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

تأثیر آموزش هوش معنوی بر سازگاری و مسئولیت پذیری و قانون مندی دانش آموزان پسر ۱۴-۱۶ ساله

فیروز تیزرو طولی^۱، توکل موسی زاده^{۲*}، رضا کاظمی^۲

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

* نویسنده مسئول: توکل موسی زاده، گروه روانشناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

Email: t.mousazadeh@iauardabil.ac

تاریخ پذیرش: اردیبهشت ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: فروردین ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: راهکارهای مختلفی در جهت بهبود سازگاری، مسئولیت پذیری و قانون مندی دانش آموزان پیشنهاد شده است که یکی از این راهکارها، آموزش هوش معنوی می باشد. هدف این پژوهش تعیین تأثیر آموزش هوش معنوی بر سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموزان ۱۴-۱۶ ساله بود.

روش و مواد: روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با روش پیش آزمون، پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پسر ۱۴-۱۶ ساله شهرستان تالش در سال ۹۷-۱۳۹۶ به تعداد ۷۰۰ نفر بودند، که از میان آنها ۱۰۸ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. سپس شرکت کنندگان به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه، هر گروه ۵۴ نفر قرار گرفتند و آموزش هوش معنوی برای گروه آزمایش اجرا شد در حالی که برای گروه گواه مداخله ای صورت نگرفت. ابزار گردآوری داده ها، سه پرسشنامه مسئولیت پذیری، قانونمندی و سازگاری اجتماعی بود. تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری و نرم افزار SPSS-22 صورت گرفت.

یافته ها: بعد از آموزش هوش معنوی میانگین (انحراف معیار) قانونمندی افزایش یافته و از (۶) ۳۰/۱ در پیش آزمون به (۷/۲) ۳۵ در پس آزمون رسید ($P < 0/001$). همچنین بعد از مداخله، میانگین (انحراف معیار) مسئولیت پذیری افزایش یافته و از (۵۲/۴) ۹/۴ در پیش آزمون به (۷۰/۶) ۱۲/۳ در پس آزمون رسید ($P < 0/001$). میانگین (انحراف معیار) سازگاری اجتماعی نیز بعد از آموزش هوش معنوی افزایش یافت و از (۷۰/۲) ۱۱/۶ در پیش آزمون به (۸۱/۱) ۱۵/۵ در پس آزمون رسید ($P < 0/001$). نمرات مشارکت کنندگان گروه گواه در پس آزمون نسبت به پیش آزمون هیچ یک از متغیرهای پژوهش تفاوتی نشان نداد.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که آموزش هوش معنوی موجب افزایش سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموزان شد.

واژگان کلیدی: آموزش هوش معنوی، سازگاری، مسئولیت پذیری، قانونمندی، دانش آموزان.

دوره نوجوانی به عنوان یکی از اصلی ترین دوره های زندگی، با دامنه وسیعی از تحولات جسمانی، روانی و اجتماعی همراه می باشد، تحولاتی که عملکرد فرد نوجوان را در ابعاد مختلف درون فردی و بین فردی تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می دهد (۱). هر دوره ای از زندگی دربرگیرنده مجموعه ای از تکالیف و وظایف رشدی در ابعاد درون فردی، بین فردی و محیطی است و دوره نوجوانی به عنوان دوره ای انتقالی، تکالیف رشدی مختلفی را دربر می گیرد که یکی از اساسی ترین آنها قانونمندی دانش آموزان می باشد، قوانین هنجارهایی هستند که توسط حکومت ها به عنوان اصولی که شهروندان می بایست از آنها پیروی کنند تعریف شده اند (۲). تلاش برای ایجاد قانون جامع و متکی بر هنجارها و اصول حقوقی کاری ضروری و بسیار ارزشمند به نظر می رسد. نکته ظریفی که باید به آن بیشتر توجه کرد "تعهد افراد یک جامعه به قوانین" است. اگر سه عنصر تبیین و شفافیت قوانین، اجرای قوانین و نیز تساوی انسان ها در برابر قانون را "ارکان مقوله قانون گرایی بدانیم" سابقه دینی و تاریخی آن به قرن ها قبل برمی گردد (۳). قانونمندی یکی از ضروری ترین ابزارهای تنظیم کننده زندگی افراد می باشد. تشکیل و استمرار هر جامعه انسانی، نیازمند وجود قانون و قانونمداری اعضای آن است. این موضوع حتی در زندگی سایر موجودات اجتماعی نیز قابل رؤیت است. بدین جهت، بشر از آغازین روزهای حیات اجتماعی خود، ضرورت قانون و پایبندی به آن را حس کرده و به منظور حفظ نظم و انضباط، به وضع قانون و حاکمیتش در جامعه اقدام نموده است، چه اینکه کارکرد اصلی قانون، تنظیم روابط افراد اجتماع و جلوگیری از برخوردها و مزاحمت بین منافع آنها است. قانونمند بودن یعنی پذیرش اصول، قاعده ها، فنون و تکنیک های سازنده یک زندگی خوب توسط افراد جامعه و حقوق شهروندی است. مهم ترین هدف قانونمندی ایجاد فضای امنیت و آرامش برای افراد جامعه می باشد (۴).

یکی از مهم ترین شاخص ها و مؤلفه های رشد اجتماعی در دانش آموزان، مسئولیت پذیری است. مسئولیت پذیری، الزام و تعهد درونی فرد در انجام مطلوب همه فعالیت هایی است که بر عهده او گذاشته شده (۵). از طرف دیگر، بعضی اوقات دوره خاص و حساس نوجوانی با نوعی سردرگمی همراه با کاهش عزت نفس و خودپنداره همراه است که سبب کاهش فعالیت های طبیعی و تعاملات اجتماعی می شود، بنابراین به وسیله آموزش مسئولیت پذیری و واگذاری نقش های مناسب به نوجوان، می توان وی را برای یادگیری مفاهیم اخلاقی آماده کرد (۶)، چون دوران نوجوانی از مهم ترین مراحل زندگی فرد است و رشد مسئولیت پذیری نیز در این دوران نیازی اساسی محسوب می شود (۷). مسئولیت پذیری به معنای ضمانت و تعهد است یا پاسخگو بودن در برابر نیازهای خود و دیگران و انجام وظایف فردی و اجتماعی به بهترین شکل است. از مهم ترین موانع مسئولیت پذیری می توان به موانع خانوادگی و مدرسه ای اشاره کرد: الف) موانع مسئولیت پذیری در خانوادگی (ب) موانع مسئولیت پذیری در محیط مدرسه. حوزه های مسئولیت پذیری انسان می تواند در ارتباط با هوش معنوی و شخصی خویش، در ارتباط با خانواده، جامعه و مدرسه تعریف گردد که نسبت به هر یک دارای مسئولیت بوده و وظیفه ای بر عهده دارد (۸).

سازگاری به عنوان یک متغیر مؤثر در زندگی انسان دارای ابعاد مختلفی است: سازگاری تحصیلی، سازگاری اجتماعی، سازگاری عاطفی (۹). سازگاری و ابعاد مختلف آن از مباحث بنیادی و بسیار گسترده در روان شناسی محسوب می شود. سازگاری فرایندی است پیوسته که در آن تجربیات یادگیری اجتماعی شخص باعث ایجاد نیازهای روانی می گردد و نیز امکان کسب توانایی و مهارت هایی را فراهم می سازد که از آن طریق می توان به ارضاء نیازها پرداخت. عوامل زیادی به سازگاری انسان با محیط اطرافش و دست یافتن به احساس رضایت از زندگی کمک می کند. زندگی کردن در حقیقت چیزی جز عمل سازگاری نیست. انسانی را سازگار تلقی می کنیم که مسائل و رفتار منطقی دیگران را قبول کند و اگر با محیطی نمی تواند سازش پیدا کند، محیط دیگری برایش وجود داشته باشد انتخاب کند. سازگاری عبارت است از تغییراتی که باید در رفتار فرد پیدا شوند تا با محیط زندگی خود هماهنگ و دم ساز باشد (۱۰).

در جهت بهبود سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموزان راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است یکی از این راهکارها آموزش هوش معنوی می باشد. هوش معنوی اساس و بنیان اصلی بوده و در میان سایر هوش ها، بالاترین هوش

است (۱۱). در واقع هوش معنوی، هوشی است که توسط آن دانش آموزان قادرند با سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی به کارها و فعالیت هایشان معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن بر معنای عملکردشان آگاه شوند و دریابند که کدامیک از اعمال و رفتارهایشان از اعتبار بیشتری برخوردارند. هوش معنوی زمینه ساز سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی انسان برای دستیابی به معنای زندگی است. معنای زندگی از سه جنبه: هدفداری ارزشمندی کارکرد زندگی تشکیل شده است (۱۲). هوش معنوی به افراد این امکان را می دهد تا از خود بپرسند که آیا می خواهند در آن موقعیت باشند یا خیر؟ آیا ترجیح می دهند موقعیت را تغییر دهند یا خیر و آن را اصلاح نمایند. هوش معنوی باعث موفقیت فرد می شود و این نتیجه به عنوان بنیان و اساس تحقیقات آینده بسیار مهم است. تأثیر آموزش هوش معنوی بر سازگاری در تحقیقات نشان داد، آموزش هوش معنوی بر سازگاری عاطفی تأثیر مثبت دارد.

مسئولیت پذیری از ویژگی های اصیل انسان است که رشد و تکامل فرد و جامعه انسانی و همچنین حفاظت از طبیعت در گرو آن است، بدین وسیله هوش معنوی از طریق مسئولیت پذیری فرد، رابطه انسان با خود، هم نوعان و طبیعت، متعادل می گردد (۱۳ و ۱۴). قانونمندی یکی از ضروری ترین ابزار تنظیم کننده زندگی افراد می باشد. تشکیل و استمرار هر جامعه انسانی، نیازمند وجود قانون و قانون مداری اعضای آن است. این موضوع حتی در زندگی سایر موجودات اجتماعی نیز قابل رؤیت است. بدین جهت، بشر از آغازین روزهای حیات اجتماعی خود، ضرورت قانون و پایبندی به آن را حس کرده و به منظور حفظ نظم و انضباط، به وضع قانون و حاکمیتش در جامعه اقدام نموده است، چه اینکه کارکرد اصلی قانون، تنظیم روابط افراد اجتماع و جلوگیری از برخوردها و مزاحمت بین منافع آنها است. مهم ترین هدف هوش معنوی، قانونمندی و ایجاد فضای امنیت و آرامش برای افراد جامعه می باشد (۱۵). هوش معنوی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان در محیط زندگی شان تأثیرگذارند (۱۶ و ۱۷) و آموزش هوش معنوی بر سازگاری تأثیر مثبت دارد (۱۸ و ۱۹). از دیدگاه Martínez و همکاران (۲۰) یکی از تأثیرات اساسی آموزش هوش معنوی بر دانش آموزان، ارتقای سطح دانش و آگاهی آنها در مورد سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی در چارچوب فرهنگ و اعتقادات مذهبی جامعه می باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر آموزش هوش معنوی بر سازگاری، مسئولیت پذیری و قانون مندی دانش آموزان پسر ۱۴-۱۶ ساله می باشد.

روش و مواد

تحقیق حاضر از نوع پژوهش های مداخله ای و نیمه تجربی (پیش آزمون، پس آزمون) با گروه گواه است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان ۱۴-۱۶ ساله مدارس شهرستان تالش به تعداد ۷۰۰ نفر بوده است. روش نمونه گیری این پژوهش تصادفی ساده بود. مطالعه در شش دبیرستان، شامل چهار دبیرستان دوره اول متوسطه و دو دبیرستان دوره دوم متوسطه انجام شد. از هر دبیرستان دوره اول دبیرستان، دو کلاس و از هر دبیرستان دوره دوم، یک کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند. در مجموع از کل جامعه آماری ۷۰۰ نفر دانش آموز دوره متوسطه، تعداد ۱۰۸ نفر دانش آموز به طور تصادفی انتخاب شدند. تعداد نمونه پژوهش بر اساس اندازه اثر ۰/۲۵، آلفای ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ در دو گروه، حداقل برای هر گروه تعداد ۳۰ نفر به دست آمد اما برای اطمینان بیشتر و تعمیم دهی نتایج، تعداد افراد برای هر گروه ۵۴ نفر در نظر گرفته شد. بعد از انتخاب نمونه پژوهش و پس از معرفی و توضیح نحوه اجرای برنامه، افراد گروه نمونه به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. پیش آزمون برای هر دو گروه اجرا و گروه آزمایش در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش واقعیت درمانی قرار گرفتند در حالی که گروه گواه در این جلسات شرکت نداشتند. در پایان دو گروه مجدداً در پس آزمون شرکت کردند. ملاک های ورود نمونه به پژوهش عبارتند از: ۱- پسر بودن ۲- اعلام رضایت نوجوان و والدین آنها برای شرکت در پژوهش، ۳- دامنه سنی در حال حاضر بین ۱۴ تا ۱۶ سال باشد و ۴- نداشتن مشکل روان شناختی و رفتاری. از جمله ملاک های خروج عدم تمایل به ادامه درمان، عدم مشارکت و همکاری در فرآیند اجرای درمان و غیبت بیش از دو جلسه در جلسات درمان بود. این اطمینان به مشارکت کنندگان داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد

استفاده قرار خواهد گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان ثبت نشد و برای اطمینان از روند کار، کلیه پرسشنامه ها توسط خود پژوهشگر اجرا شد.

پرسشنامه مسئولیت پذیری و قانونمندی: در این پژوهش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه مسئولیت پذیری و قانونمندی که توسط قلی پور و همکاران در سال ۱۳۸۸ ساخته شد، استفاده شد. این پرسشنامه ۵۰ سؤالی با مقیاس لیکرت در یک طیف پنج گزینه ای (کاملاً موافقم، موافقم، بی نظرم، مخالفم و کاملاً مخالفم) درجه بندی شده است. نمره گذاری از روش ۱ تا ۵ پیروی می کند. در سؤالاتی که مستقیم نمره گذاری می شوند اگر آزمودنی گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کند، نمره ۱، و اگر گزینه مخالف را انتخاب کند، نمره ۲، اگر گزینه بی نظر را انتخاب کند، نمره ۳، و اگر گزینه موافق را انتخاب کند، نمره ۴، و اگر گزینه کاملاً موافق را انتخاب کند، نمره ۵ می گیرد. مؤلفه های خود مدیریتی، نظم پذیری و قانونمندی جزو خرده مقیاس های قانونمندی و مؤلفه های امانت داری، وظیفه شناسی، سازمان یافتگی، پیشرفت گرایی و مسئولیت پذیری جزو خرده مقیاس های مسئولیت پذیری به شمار می آید. نمرات بالا در هر یک از مؤلفه ها به معنای مسئولیت پذیری و قانونمندی بالا است (۲۱). در محاسبه پایایی از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهشی، پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد که نشان دهنده پایایی مناسب آن است (۲۲). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد.

پرسشنامه سازگاری اجتماعی (SAS): مقیاس خودسنجی سازگاری اجتماعی به وسیله Weissman در سال ۱۹۸۹ ساخته شده است. این آزمون دارای ۵۴ سوال کلی است. در این آزمون نمره های بالاتر منعکس کننده سازگاری ضعیف تر هستند. این پرسشنامه دارای شش مؤلفه حوزه کاری، فعالیت های اجتماعی اوقات فراغت، روابط با خانواده گسترده، و نقش های همسری، والدی و عضو واحد خانواده را مورد ارزیابی قرار می دهد. در این پژوهش، نمره کل سازگاری اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است و مؤلفه ها مورد ارزیابی قرار نگرفتند. در ایران آزمون برای اولین بار توسط ریاحی نیا مورد استفاده قرار گرفت و اعتبار آن ۰/۶۷ بدست آمد نتایج فرم مشابه خارجی مطابقت داشته و نتایج حاکی از آن بود که آزمون از اعتبار و روایی بسیار بالایی برخوردار است (۲۳). روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۸۴ به دست آمد.

جدول شماره ۱- زمان بندی و محتوای جلسات آموزش هوش معنوی

جلسات	شرح جلسات
جلسه اول	انجام پیش آزمون و آشنایی با موضوع معنویت
جلسه دوم	معنویت کاربردی در زندگی روزمره و تعریف هوش معنوی از دیدگاه King و Amram.
جلسه سوم	آموزش اولین قسمت، مؤلفه اول هوش معنوی از دیدگاه King و Amram و تفکر وجودی انتقادی.
جلسه چهارم	آموزش دومین قسمت، مؤلفه اول هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «تفکر وجودی انتقادی».
جلسه پنجم	آموزش اولین قسمت، مؤلفه دوم هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «تولید معنای شخصی».
جلسه ششم	آموزش دومین قسمت، مؤلفه دوم هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «تولید معنای شخصی».
جلسه هفتم	آموزش اولین قسمت، مؤلفه سوم هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «آگاهی متعالی».
جلسه هشتم	آموزش اولین قسمت، مؤلفه چهارم هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «گسترش حالت هوشیاری».
جلسه نهم	آموزش دومین قسمت، مؤلفه چهارم هوش معنوی از دیدگاه King و Amram «گسترش حالت هوشیاری».
جلسه دهم	مرور جلسات گذشته و اجرای پس آزمون.

در نهایت داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS-22 به منظور محاسبه شاخص های توصیفی و نیز تحلیل کواریانس چند متغیری پردازش شدند.

یافته ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت کنندگان گروه آزمایش (۳/۴) و گروه گواه (۴/۴) ۱۵/۱ سال بود که دامنه سنی از ۱۴ تا ۱۶ سال را شامل می شد.

جدول شماره ۲- میانگین (انحراف معیار) نمرات متغیرهای پژوهش در پیش آزمون و پس آزمون دو گروه آزمایش و گواه

متغیر	گروه	پیش آزمون (انحراف معیار) میانگین	پس آزمون (انحراف معیار) میانگین	P
قانونمندی	خود مدیریتی	۳۱/۳ (۶/۴)	۳۴/۳ (۷/۵)	۰/۰۰۱
	گواه	۳۱/۵ (۶/۲)	۳۱/۷ (۶/۶)	۰/۵۷
نظم پذیری	آزمایش	۲۶/۸ (۶/۹)	۳۱/۳ (۸/۴)	۰/۰۰۱
	گواه	۲۶/۲ (۶/۳)	۲۶/۹ (۶/۶)	۰/۷۷
قانونمندی	آزمایش	۳۰/۱ (۶)	۳۵ (۷/۲)	۰/۰۰۱
	گواه	۲۹/۸ (۵/۸)	۳۰/۳ (۶/۱)	۰/۸۳
مسئولیت پذیری	امانت داری	۱۲/۷ (۵/۴)	۱۶/۹ (۷/۱)	۰/۰۰۱
	گواه	۱۲/۲ (۵)	۱۲/۴ (۴/۷)	۰/۷۰
وظیفه شناسی	آزمایش	۹/۳ (۲/۴)	۱۲/۶ (۲/۸)	۰/۰۰۱
	گواه	۹/۴ (۲/۱)	۹/۷ (۲/۵)	۰/۵۰
سازمان یافتگی	آزمایش	۱۶/۷ (۷/۴)	۲۲/۲ (۸/۸)	۰/۰۰۱
	گواه	۱۶/۵ (۷/۱)	۱۶/۸ (۷/۲)	۰/۸۵
پیشرفت گرایی	آزمایش	۱۱/۶ (۴/۴)	۱۵/۷ (۶/۸)	۰/۰۰۱
	گواه	۱۱/۴ (۴/۵)	۱۱/۵ (۴/۵)	۰/۶۷
مسئولیت پذیری	آزمایش	۵۲/۴ (۹/۴)	۷۰/۶ (۱۲/۳)	۰/۰۰۱
	گواه	۵۲/۶ (۸/۶)	۵۳/۴ (۸/۹)	۰/۷۰
سازگاری اجتماعی	آزمایش	۷۰/۲ (۱۱/۶)	۸۱/۱ (۱۵/۵)	۰/۰۰۱
	گواه	۶۹/۹ (۱۰/۳)	۶۹/۳ (۱۰/۲)	۰/۴۸

بعد از آموزش هوش معنوی میانگین (انحراف معیار) قانونمندی افزایش یافته و از (۶) ۳۰/۱ در پیش آزمون به (۷/۲) ۳۵ در پس آزمون رسیده است ($P < 0/001$). میانگین (انحراف معیار) مؤلفه های قانونمندی شامل خود مدیریتی از (۶/۴) ۳۱/۳ در پیش آزمون به (۷/۵) ۳۴/۳ پس آزمون ($P < 0/001$) و نظم پذیری از (۶/۹) ۲۶/۸ در پیش آزمون به (۸/۴) ۳۱/۳ در پس آزمون ($P < 0/001$) افزایش یافت.

همچنین بعد از مداخله آموزش هوش معنوی، میانگین (انحراف معیار) مسئولیت پذیری افزایش یافته و از (۹/۴) ۵۲/۴ در پیش آزمون به (۱۲/۳) ۷۰/۶ در پس آزمون رسیده است ($P < 0/01$). میانگین (انحراف معیار) مؤلفه های مسئولیت پذیری شامل امانت داری از (۵/۴) ۱۲/۷ در پیش آزمون به (۷/۱) ۱۶/۹ در پس آزمون ($P < 0/001$)، وظیفه شناسی از (۲/۴) ۹/۳ در پیش آزمون به (۲/۸) ۱۲/۶ در پس آزمون ($P < 0/01$)، سازمان یافتگی از (۷/۴) ۱۶/۷ در پیش آزمون به (۸/۸) ۲۲/۲ در پس آزمون ($P < 0/01$) و پیشرفت گرایی از (۴/۴) ۱۱/۶ در پیش آزمون به (۶/۸) ۱۵/۷ در پس آزمون ($P < 0/01$) افزایش

یافت. میانگین (انحراف معیار) سازگاری اجتماعی نیز بعد از آموزش هوش معنوی افزایش یافته و از $70/2$ ($11/6$) در پیش آزمون به $81/1$ ($15/5$) در پس آزمون رسید ($P < 0/001$).

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری جهت رعایت پیش فرض های آن، از آزمون های باکس و لوین استفاده شد. بر اساس آزمون Box که برای هیچ یک از متغیرها معنی دار نبوده است. شرط همگنی واریانس / کواریانس به درستی رعایت شده است. بر اساس آزمون لامبدای ویلکز و عدم معناداری آن برای همه متغیرها، شرط همسانی واریانس های بین گروه ها رعایت شده است. بنابراین استفاده از آزمون تحلیل کواریانس مجاز می باشد.

جدول شماره ۳- نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره مقایسه میانگین مسئولیت پذیری، قانونمندی و سازگاری اجتماعی پس آزمون گروه آزمایش با کنترل پیش آزمون

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری	مجذورات
خودمدیریتی	۱۵۹/۸۰	۱	۷۲/۳۵	۰/۰۰۱	۰/۷۲
نظم پذیری	۵۹/۴۰	۱	۱۸/۷۱	۰/۰۰۱	۰/۴۶
قانونمندی	۱۰۲/۹۱	۱	۴۹/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۶۶
امانت داری	۳۷/۵۴	۱	۸/۱۱	۰/۰۱۲	۰/۲۵
وظیفه شناسی	۳۴/۶۱	۱	۱۵/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۴۱
سازمان یافتگی	۷۷/۱۹	۱	۳۶/۴۲	۰/۰۰۱	۰/۶۲
پیشرفت گرایی	۲۴/۹۷	۱	۱۴/۸۷	۰/۰۰۱	۰/۴۰
مسئولیت پذیری	۸۲/۵۵	۱	۱۷/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۴۲
سازگاری اجتماعی	۱۷۹/۵۶	۱	۱۳/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۳۸

نتایج حاصل از جدول شماره ۳ نشان داد که مقادیر F محاسبه شده در متغیر گروه، مسئولیت پذیری، قانونمندی و سازگاری اجتماعی در سطح $P < 0/01$ معنادار است و این بدین معنا است که آموزش هوش معنوی بر مسئولیت پذیری، قانونمندی و سازگاری اجتماعی دانش آموزان مؤثر بوده است.

بحث

مطالعه نشان داد بعد از آموزش هوش معنوی میانگین (انحراف معیار) قانونمندی افزایش یافته و از $30/1$ (6) در پیش آزمون به 35 ($7/2$) در پس آزمون رسید، میانگین (انحراف معیار) مسئولیت پذیری از $52/4$ ($9/4$) در پیش آزمون به $70/6$ ($12/3$) در پس آزمون افزایش یافت و میانگین (انحراف معیار) سازگاری اجتماعی بیشتر شد و از $70/2$ ($11/6$) در پیش آزمون به $81/1$ ($15/5$) در پس آزمون رسید. در حالی که در میانگین (انحراف معیار) نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه گواه تفاوتی مشاهده نشد.

آموزش هوش معنوی بر سازگاری و مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموزان در مدارس تأثیرگذار است. در سایر پژوهش ها نیز به اثرات مثبت هوش معنوی اشاره شده است، مثلاً در پژوهش حقیقت و همکاران (۲۴) بین هوش معنوی و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود داشت یا در پژوهش انجام شده توسط شجاعی و سلیمانی (۲۵) بیان گردیده که آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روان شناختی و مؤلفه های آن در دانش آموزان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی «ره» شهرستان اردبیل تأثیر مثبت داشته است. یافته های مطالعه حاضر به طور کلی با نتایج محمدی و همکارانش (۲۶) مبنی بر تأثیر آموزش هوش معنوی بر سلامت روان دانش آموزان پسر دوره متوسطه و پژوهش صبا و اصل فتاحی (۲۷) مبنی بر تأثیر آموزش هوش معنوی بر واکنش به استرس تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی و سازگاری اجتماعی در دانش آموزان دختر مقطع سوم متوسطه شهرستان شبستر همسو است. نتایج پژوهش موسوی و همکاران (۲۸) نشان دادند بین هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی و قانونمندی معلمان مدارس متوسطه رابطه وجود دارد به گونه ای که هوش معنوی موجب رعایت قانونمندی و ارتقای رفتار شهروندی سازمانی و قانونمندی معلمان شود.

در تبیین تأثیر مثبت آموزش هوش معنوی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مدارس می توان گفت که در جلسات آموزش هوش معنوی، درک هویت حقیقی خود به جای هویت دروغین، و درک ارزش خود و اجتناب از خودآزاری و خود تخریب-گری آموزش داده می شود و همین موارد می تواند به رشد سازگاری و بهبود روابط اجتماعی دانش آموزان کمک شایان توجهی کند. در نتیجه درک هویت و ارزش خود، رضایت مندی از خود و زندگی افزایش می یابد و بنابراین قابل انتظار است که هوش معنوی بتواند سطح سازگاری را در افراد بالا ببرد (۲۹).

در تبیین تأثیر مثبت آموزش هوش معنوی بر مسئولیت پذیری در زندگی دانش آموزان مدارس می توان گفت که آموزش هوش معنوی با آموختن نحوه تسلط بر محیط توسط نوجوانان، ایجاد احساس کفایت و قدرت اداره یک محیط پیچیده، انتخاب یا ایجاد زمینه های شخصی مناسب و در نتیجه انجام مسئولیت های روزمره به دانش آموزان کمک می کند تا به اداره زندگی خود بپردازند و این امر موجب افزایش و بهبود تعهد در آنان گردد. بنابراین با افزایش تعهد به انجام کار در دانش آموزان، در حقیقت سبب بهبود مسئولیت پذیری در انجام آن کار توسط آنان می گردد.

در تبیین تأثیر مثبت آموزش هوش معنوی بر قانون مندی دانش آموزان می توان گفت که آموزش هوش معنوی می تواند ایجاد محیطی سالم در جهت بالا بردن سطح تولید و بهبود شرایط تولید و همچنین ارتقاء سطح مهارت و شناخت و پرورش استعدادها، جلوگیری از ضایعات محصولات و رعایت حقوق انسانی در محیط کار و تشویق انسان ها به کار بهتر و در جهت افزایش سطح کارایی و بهره وری و برحذر داشتن آنان از بی نظم، کم کاری در محیط کار و ترویج اخلاق اسلامی در کارگاه ها باشد (۱۲). آموزش هوش معنوی با ارتقای آگاهی هوشیارانه، سازگاری با وقایع و تجارب زندگی و پرورش خودآگاهی (۱۵) می تواند به بهبود قانونمندی و مسئولیت پذیری دانش آموزان کمک کند. آموزش هوش معنوی موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می شود، و در آموزش ها توجه به این مسئله که القای مفاهیم معنوی و معنویت مطابق با حال و هوای دوره نوجوانی با تفهیم این نکته به نوجوان که دل و قلب او پاک و زلال است و بیش از هر زمان دیگری به خداوند نزدیک است مورد توجه قرار گرفته و این که موضوعات آموزشی طوری ارائه گردید که نوجوانان احساس نمایند آن موضوعات، قابل پیاده شدن در زندگی روزانه می باشند. از سوی دیگر رعایت فاصله زمانی مناسب بین جلسات آموزشی به منظور تفکر در رابطه با مباحث مطرح شده، حضور فعال فراگیران در جلسات و انجام منظم تکالیف ارائه شده، عواملی هستند که موجبات علاقمندی نوجوانان به تقویت هوش معنوی و به دنبال آن افزایش هوش معنوی را در آنان فراهم نموده است.

این پژوهش مانند هر پژوهش دیگر محدودیت هایی داشت از جمله می توان به محدود بودن نمونه پژوهش به جامعه دانش آموزان ۱۴ تا ۱۶ ساله اشاره کرد که در تعمیم نتایج به سایر افراد جامعه باید جانب احتیاط رعایت شود. عدم انجام پیگیری، محدودیت زمانی برای ارائه آموزش ها، تعداد جلسات کوتاه و کنترل متغیر جنسیت از محدودیت های دیگر پژوهش حاضر می باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که از این برنامه آموزشی در کار با دانش آموزان که دچار مسئولیت گریزی و مشکلات سازگاری اجتماعی هستند، استفاده شود. همچنین پیشنهاد می شود که اثر بخشی این رویکرد با سایر رویکردهای درمانی نیز مقایسه شود.

نتیجه گیری

مطالعه نشان داد که آموزش هوش معنوی موجب افزایش سازگاری، مسئولیت پذیری و قانونمندی دانش آموزان ۱۴ تا ۱۶ ساله تالش شد.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم. مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول و دارای کد اخلاق IR.ARUMS.REC.1398.021 از کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی اردبیل می باشد.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCE

1. Ferreira C, Schulze S. Facilitating spiritual intelligence in South African secondary school learners. *koers*. 2015;80(2):1-8.
2. Henderson A, Tyler S. Facilitating learning in clinical practice: Evaluation of a trial of a supervisor of clinical education role. *Nurse education in practice*. 2011;11(5):288-92.
3. Reisig MD, Bain SN. University legitimacy and student compliance with academic dishonesty codes: A partial test of the process-based model of self-regulation. *Criminal Justice and Behavior*. 2016;43(1):83-101.
4. Perry C, Henderson A, Grealish L. The behaviours of nurses that increase student accountability for learning in clinical practice: An integrative review. *Nurse education today*. 2018;65:177-86.
5. Hutt EL, Gottlieb J, Cohen JJ. Diffusion in a vacuum: edTPA, legitimacy, and the rhetoric of teacher professionalization. *Teaching and Teacher Education*. 2018;69:52-61.
6. Stein RE, Colyer CJ, Manning J. Student accountability in team-based learning classes. *Teaching Sociology*. 2016;44(1):28-38.
7. Alexander NA, Jang ST, Kankane S. The performance cycle: The association between student achievement and state policies tying together teacher performance, student achievement, and accountability. *American Journal of Education*. 2017;123(3):413-46.
8. Keddie A. Student voice and teacher accountability: Possibilities and problematics. *Pedagogy, Culture & Society*. 2015;23(2):225-44.
9. Partovi A, Boland H. Relationship between Spiritual Intelligence and Resilience to the Mothers' Stress and Neonatal Anthropometric Indices. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS) ISSN 2356-5926*. 2016;1(1):732-41.
10. Ramnanan CJ, Pound LD. Advances in medical education and practice: student perceptions of the flipped classroom. *Advances in medical education and practice*. 2017;8:63-73.
11. Dodds A, Kodate N. Accountability, organisational learning and risks to patient safety in England: Conflict or compromise?. *Health, Risk & Society*. 2011;13(4):327-46.
12. Strasser R, Hogenbirk JC, Minore B, Marsh DC, Berry S, McCreedy WG, Graves L. Transforming health professional education through social accountability: Canada's Northern Ontario School of Medicine. *Medical Teacher*. 2013;35(6):490-96.
13. Zhang K, Wang D. The Efficacy of a Transactional Analysis Training Program for Married University Students' Spiritual Intelligence: A Randomized Controlled Study. *NeuroQuantology*. 2018;16(6)105-111.
14. Malik MS, Tariq S. Impact of spiritual intelligence on organizational performance. *International Review of Management and Marketing*. 2016;6(2):289-97.
15. Chan AW, Siu AF. Application of the spiritual intelligence self-report inventory (SISRI-24) among Hong Kong university students. *International Journal of Transpersonal Studies*. 2016;35(1):1-12.
16. Seenana NS, Sundaram S. The efficacy of psycho-spiritual intervention on emotional intelligence, spiritual intelligence and psychological resilience among maltreated juvenile girls. *Indian Journal of Health & Wellbeing*. 2018;9(1):125-30.
17. Marsh JA, Farrell CC, Bertrand M. Trickle-down accountability: How middle school teachers engage students in data use. *Educational Policy*. 2016;30(2):243-80.
18. Martinez BB, Custodio RP. Relationship between mental health and spiritual wellbeing among hemodialysis patients: a correlation study. *Sao Paulo medical journal*. 2014;132(1):23-27.
19. Yadav P, Punia BK. Emotionality Does but Spirituality Does Not: The Effect of Emotional and Spiritual Intelligence on Organisational Citizenship Behaviour. *Asia-Pacific Journal of Management Research and Innovation*. 2016;12(1):46-55.
20. Devi RK, Rajesh NV, Devi MA. Study of spiritual intelligence and adjustment among arts and science college students. *Journal of religion and health*. 2017;56(3):828-38.

21. Nejati M, Ghasemi S. Corporate social responsibility in Iran from the perspective of employees. *Social Responsibility Journal*. 2012;8(4):578-88.
22. Esmaelinezhad O, Boerhannoeddin AB, Singaravelloo K. The effects of corporate social responsibility dimensions on employee engagement in Iran. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*. 2015;5(3):261-276.
23. Gameroff MJ, Wickramaratne P, Weissman MM. Testing the Short and Screener versions of the Social Adjustment Scale–Self report (SASSR). *International journal of methods in psychiatric research*. 2012;21(1):52-65.
24. Haghighat S, Deireh E, Fadaiyan B. Investigation of the relation between spiritual intelligence and intellectual capital with creativity among students of high schools of Kazeroun during 2014-15 education year. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS)*. 2016:706-14.
25. Shojaei, A., Soleymani, E. The effectiveness of spiritual intelligence training on psychological well-being of students covered by the imam khomeini relief committee. *Journal of School Psychology*, 2015; 4(1): 104-121.
26. Mohammadi H, Bahreinian A, Mortazavi MA, Mousavi MR, Ashrafnezhad Z. The effect of training Spiritual Intelligence On the mental health of male high school students. *Journal of Research on Religion & Health*. 2016;1(1):28-39.
27. Saba B, Asl Fatahi B. The effect of spiritual intelligence training on the response to academic stress, academic self-efficacy and social adjustment in high school girl students in Shabestar. *Woman and Family Studies*. 2016; 8(32):63-75.
28. Musavi S, Talebzadeh M. The relationship between spiritual intelligence and organizational citizenship behavior high school teachers in Zanjan. *Educational Psychology*, 2012; 7(22): 65-94.
29. Thory K. Developing meaningfulness at work through emotional intelligence training. *International Journal of Training and Development*. 2016;20(1):58-77.

پرسشنامه سازگاری اجتماعی (SAS)

ما مایلیم بدانیم که شما در خلال دو هفته اخیر چگونه عمل کرده اید. بنابراین از شما می خواهیم به سوالات زیر که درباره کار، اوقات و زندگی خانوادگی تان است، پاسخ دهید. هیچ پاسخ صحیح یا غلطی برای این سوالات وجود ندارد. پاسخی که بیش از همه وضعیت شما در دو هفته اخیر توصیف می کند را انتخاب کنید.

<p>لطفا وضعیتی را که شما را بهتر توصیف می کند علامت بزنید</p> <p>الف. من کارمند (باحقوق) هستم. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من خانم خانه دار هستم. <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من دانش آموز هستم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من بازنشسته هستم <input type="checkbox"/></p> <p>د. بیکار هستم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱- آیا شما به طور معمول برای گرفتن دستمزد بیشتر از ۱۵ ساعت در هفته کاری کنید؟</p> <p>الف. خیر <input type="checkbox"/></p> <p>ب. بله <input type="checkbox"/></p>
<p>۲- شما در دو هفته اخیر چند روز کاری را از دست دادید؟</p> <p>الف. هیچ روزی را از دست ندادم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک روز را از دست داده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات را از دست داده ام <input type="checkbox"/></p> <p>چ. بیشتر از نیمی از اوقات را از دست داده ام ولی حداقل یک روز را کار انجام داده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من هیچ روزی را کار نکردم <input type="checkbox"/></p> <p>د. همه دو هفته اخیر را در مرخصی بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۳- آیا شما در دو هفته اخیر قادر به انجام کارتان بوده اید؟</p> <p>الف. من کارم را خیلی خوب انجام داده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من کارم را به خوبی انجام دادم ولی با برخی خطاهای کوچک <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من نیاز داشتم که برای کار کمک بگیرم و حدود نیمی از اوقات به خوبی کار نکردم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات کارم را با کیفیت بدی انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همه اوقات کارم را با کیفیت بدی انجام دادم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴- آیا شما از طرز کارتان دو هفته اخیر دچار شرمندگی شده اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس شرمندگی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار کمی احساس شرمندگی کردم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من اکثر اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من در همه اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۵- آیا شما در دو هفته اخیر بحثی با مردم در محل کار داشته اید؟</p> <p>الف. من بحثی نداشتم و خیلی خوب با دیگران به توافق می رسیدم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً به خوبی با مردم به توافق می رسیدم ولی بحث های کوچکی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیش از یکبار بحث داشته ام <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من بحث های بسیاری داشته ام <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور دائم در حال بحث بودم <input type="checkbox"/></p>

<p>۶- آیا شما در طول دو هفته اخیر زمانی که کارتان را انجام می‌دادید احساس اضطراب، نگرانی یا ناراحتی داشته‌اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس ناراحتی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من یک یا دو بار احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات من احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من در همه اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۷. آیا شما در این دو هفته اخیر کارتان را جذاب دیده‌اید؟</p> <p>الف. کارم تقریباً همیشه جذاب بود <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار کارم جذاب نبود <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>د. کارم همیشه خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p>
<p>۸. در طول دو هفته اخیر شما چند روز برخی از کارهای منزل را انجام دادید؟</p> <p>الف. هر روز</p> <p>ب. من کار منزل را تقریباً هر روز انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من حدوداً نیمی از اوقات کار منزل را انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً کار منزل را انجام ندادم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من به کلی نتوانستم کار منزل را انجام دهم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من کل دو هفته اخیر را خارج از منزل بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۹- آیا شما در طول دو هفته اخیر کار منزل را به خوبی همیشه انجام دادید؟ این شامل آشپزی، رفت و روب، لباسشویی، خریداری خوار و بار و سفری کوتاه برای انجام کارها است.</p> <p>الف. من کارم را خیلی خوب انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من کارم را به خوبی انجام دادم ولی با خطاهای کوچکی <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من در کار نیاز به کمک داشتم و آن را حدوداً در نیمی از اوقات به خوبی انجام ندادم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات کارم را با کیفیت بدی انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من همه اوقات کارم را با کیفیت بدی انجام دادم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۰. آیا شما در طول دو هفته اخیر از طرز کار خودتان در منزل احساس شرمندگی کرده‌اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس شرمندگی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار کمی احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من در همه اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۱. آیا شما در دو هفته اخیر بحثی با فروشنده‌ها، تجار یا همسایه‌ها داشته‌اید؟</p> <p>الف. من بحثی نداشتم و خیلی خوب با آنها به توافق می‌رسیدم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً به خوبی با آنها به توافق می‌رسیدم ولی بحث‌های کوچکی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیش از یکبار بحث داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من بحث‌های بسیاری داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور دائم در حال بحث‌هایی بودم <input type="checkbox"/></p>

<p>۱۲- آیا در طول دو هفته اخیر شما زمانی که کارتان را در منزل انجام می دادید احساس ناراحتی و اضطراب داشته اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس ناراحتی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من یک یا دو بار احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات من احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من در همه اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۳- آیا شما در این دو هفته اخیر کارتان در منزل را جذاب دیده اید؟</p> <p>الف. کارم تقریباً همیشه جذاب بود <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار کارم جذاب نبود <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>د. کارم همیشه خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p>
<p>اگر شما به صورت نیمه وقت یا بیشتر به مدرسه می روید به سوالات ۱۸-۱۳ پاسخ دهید. در غیر این صورت به سوال ۱۹ بروید.</p> <p>۱۴- کدام به طور بهتری برنامه های مدرسه ای شما را بیان می کند؟ (یکی را انتخاب کنید)</p> <p>الف. تمام وقت <input type="checkbox"/></p> <p>ب. نیمه وقت <input type="checkbox"/></p> <p>ج. ۳/۴ وقت <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۵. شما در دو هفته اخیر چند روز از کلاس ها را از دست داده اید؟</p> <p>الف. هیچ روزی را از دست نداده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ب. روزهای کمی را از دست داده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من حدوداً نیمی از اوقات را از دست دادم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. بیشتر از نیمی از اوقات را از دست دادم ولی حداکثر یک روز را حضور داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من اصلاً کلاس ها را نرفتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هر دو هفته اخیر را در مرخصی بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۶. آیا شما در دو هفته اخیر می توانستید تکالیف درسی را به خوبی همیشه انجام دهید؟</p> <p>الف. من کارم را خیلی خوب انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من کارم را به خوبی انجام دادم ولی با خطاهای کوچکی <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من در کارها نیاز به کمک داشتم و آن را حدوداً در نیمی از اوقات به خوبی انجام ندادم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات کارم را با کیفیت بدی انجام دادم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من کارم را همه اوقات با کیفیت بدی انجام می دهم <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۷. آیا شما در طول دو هفته اخیر از نحوه عملکردتان در مدرسه احساس شرمندگی کرده اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس شرمندگی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار من کمی احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من در همه اوقات احساس شرمندگی داشتم <input type="checkbox"/></p>

<p>۱۸. آیا شما در دو هفته اخیر بحثی با مردم در مدرسه داشته‌اید؟</p> <p>الف. من بحثی نداشته‌ام و خیلی خوب با دیگران توافق می‌رسیدم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً به خوبی با دیگران به توافق می‌رسیدم ولی بحث‌های کوچکی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیش از یک بار بحث داشته‌ام <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من بحث‌های بسیاری داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من به طور دائم در حال بحث‌هایی بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. کاربرد ناپذیر: من در مدرسه حضور نداشته‌ام <input type="checkbox"/></p>
<p>۱۹. آیا شما در دو هفته اخیر در مدرسه احساس ناراحتی و اضطراب داشته‌اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس ناراحتی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من یک یا دو بار احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیکی از اوقات من احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من در همه اوقات احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>خ. کاربرد ناپذیر: من در مدرسه حضور نداشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۰. آیا شما در دو هفته اخیر کار مدرسه را جذاب دیده‌اید؟</p> <p>الف. کارم تقریباً همیشه جذاب بود <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار کارم جذاب نبود <input type="checkbox"/></p> <p>ج. نیمی از اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات کارم خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p> <p>د. کارم همیشه خسته کننده بود <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۱. در دو هفته اخیر چند نفر از دوستان خود را دیده‌اید یا تلفنی با آنها صحبت کرده‌اید؟</p> <p>الف. ۹ نفر از دوستان یا بیشتر <input type="checkbox"/></p> <p>ب. ۵ تا ۸ نفر از دوستان <input type="checkbox"/></p> <p>ج. ۲ تا ۴ نفر از دوستان <input type="checkbox"/></p> <p>چ. یک دوست <input type="checkbox"/></p> <p>د. هیچ کدام از دوستان <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۲- آیا شما در دو هفته گذشته توانسته‌اید که حداقل با یک دوست درباره احساسات و مشکلاتتان صحبت کنید؟</p> <p>الف. من همیشه می‌توانم درباره عمیق‌ترین احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً می‌توانم درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. حدوداً نیمی از اوقات من احساس کردم که برای صحبت درباره احساساتم توانا بودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً قادر به صحبت کردن درباره احساساتم نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من هرگز قادر به صحبت درباره احساساتم نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. کاربرد ناپذیر: من دوستی ندارم <input type="checkbox"/></p>

<p>۲۳. در دو هفته اخیر شما چند بار دسته جمعی با دیگران بیرون رفته اید؟ برای مثال: برای دیدن دوستان، برای رفتن به سینما، بازی، برای رفتن به مراسم مذهبی، رستوران ها، دعوت دوستان به منزلتان؟</p> <p>الف. بیش از ۳ بار <input type="checkbox"/></p> <p>ب. ۳ بار <input type="checkbox"/></p> <p>ج. ۲ بار <input type="checkbox"/></p> <p>د. ۱ بار <input type="checkbox"/></p> <p>د. هیچ بار <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۴. شما در طول دو هفته اخیر چه مدت زمانی را صرف سرگرمی یا فعالیت های اوقات فراغت کرده اید؟ مانند: بولینگ، شنا، باغبانی، ورزش و مطالعه.</p> <p>الف. من تقریباً هر روز بیشتر اوقات فراغتم را صرف علایقم کردم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من بعضی از روزها مقداری از اوقات فراغتم را صرف علایقم کردم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من کمی از اوقات فراغتم را صرف علایقم کردم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من معمولاً هیچ زمانی را صرف علایقم نکردم ولی تلویزیون تماشا می کردم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من اصلاً اوقات فراغتم را صرف علایقم یا تماشای تلویزیون نکردم <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۵- آیا شما در دو هفته اخیر بحث بازی (گسترده ای) با دوستانتان داشته اید؟</p> <p>الف. من هیچ بحثی نداشتم و خیلی خوب با هر کدام به توافق می رسیدم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً به خوبی با هر کدام به توافق می رسیدم ولی بحث های کوچکی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیشتر از یکبار بحث داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من بحث های زیادی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. کار بردناپذیر: من دوستی ندارم <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۶- اگر احساس است شما در دو هفته اخیر توسط یک دوست جریحه دار شده یا آسیب دیده است این موضوع چقدر</p> <p>الف. برایتان سهمگین بود؟ <input type="checkbox"/></p> <p>ب. این موضوع من تاثیر نداشت یا اصلاً اتفاق نیفتاد <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من در چند ساعت بر آن غلبه کردم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من چند روز بر آن غلبه کردم <input type="checkbox"/></p> <p>ه. من در یک هفته بر آن غلبه کردم <input type="checkbox"/></p> <p>و. این موضوع برای بهبودی ماهها از من وقت گرفت <input type="checkbox"/></p> <p>د. کار بردناپذیر: من دوستی ندارم <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۷- آیا شما در دو هفته اخیر احساس خجالت یا ناراحتی با مردم را داشته اید؟</p> <p>الف. من همیشه احساس آرامش و راحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. گاهی اوقات من احساس ناراحتی داشتم ولی توانستم بعد از مدتی آرام شوم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من معمولاً احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ه. من همیشه احساس ناراحتی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>و. کار بردناپذیر: من هرگز با مردم نبودم <input type="checkbox"/></p>

<p>۲۸. آیا شما در دو هفته اخیر احساس تنهایی داشته‌اید و آرزوی کردید که دوستان بیشتری داشتید؟</p> <p>الف. من احساس تنهایی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من کمی احساس تنهایی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودانیمی از اوقات احساس تنهایی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً احساس تنهایی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همیشه احساس تنهایی داشتم و آرزوی کردم دوستان بیشتری داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۲۹. آیا شما در دو هفته اخیر در اوقات فراغت تان احساس ملال و خستگی داشته‌اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس ملال (خستگی) نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً احساس ملال و خستگی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودانیمی از اوقات احساس ملال (خستگی) داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. اکثر اوقات ملال (خستگی) داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۰. شما در دو هفته اخیر چند بار قرار ملاقات (عاشقانه) داشته‌اید؟</p> <p>الف. بیش از ۳ بار <input type="checkbox"/></p> <p>ب. ۳ بار <input type="checkbox"/></p> <p>ج. ۲ بار <input type="checkbox"/></p> <p>چ. ۱ بار <input type="checkbox"/></p> <p>د. قرار ملاقات نداشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۱. آیا شما در طول دو هفته اخیر مایل به قرار ملاقات (عاشقانه) بوده‌اید؟ اگر شما قرار ملاقاتی نداشته‌اید آیا مایل بودید که داشته باشید؟</p> <p>الف. من همیشه مایل به قرار ملاقات بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من اکثر اوقات مایل بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودانیمی از اوقات من مایل بودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات من مایل بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور کامل مایل نبودم <input type="checkbox"/></p>
<p>در باره والدین، برادران، خواهران، اقوام سببی تان و فرزندان که در خانه زندگی نمی‌کنند به سوالات ۳۷ پاسخ دهید. آیا شما در دو هفته اخیر با هیچ یک از آنها در ارتباط بوده‌اید؟</p> <p>الف. بله به سوال ۳۷-۳۰ پاسخ دهید <input type="checkbox"/></p> <p>ب. خیر به سوال ۳۶ بروید <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۲. آیا شما در دو هفته اخیر با خویشاوندانتان بحث بازی (گسترده‌ای) داشته‌اید؟</p> <p>الف. ما همیشه خیلی خوب به توافق می‌رسیدیم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. ما معمولاً خیلی خوب به توافق می‌رسیدیم ولی بحث‌های کوچکی داشتیم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیش از یک بار با حداقل یک خویشاوند بحث داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من بحث‌های بسیاری داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور دائم در حال بحث‌هایی بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۳. آیا شما در دو هفته اخیر می‌توانستید در باره احساسات و مشکلاتتان با حداقل یکی از خویشاوندانتان صحبت کنید؟</p> <p>الف. من همیشه می‌توانم در باره احساساتم حداقل با یکی از خویشاوندان صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً می‌توانم در باره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودانیمی از اوقات احساس می‌کردم قادرم در باره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً قادر نبودم در باره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هرگز قادر نبودم در باره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p>

<p>۳۴. آیا شما در این دو هفته اخیر از تماس با خویشاوندانتان اجتناب کرده اید؟</p> <p>الف. من به طور منظم با خویشاوندانم تماس گرفته ام <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من حداقل یک بار با خویشاوندانم تماس گرفته ام <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من منتظر بوده ام که خویشاوندانم با من تماس بگیرند <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من از تماس با خویشاوندانم اجتناب کردم ولی آنها با من تماس گرفتند <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هیچ تماسی با هیچ خویشاوندی نگرفته ام <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۵. آیا شما در طول دو هفته اخیر برای کمک، راهنمایی، پول یا رابطه دوستی به خویشاوندانتان متکی بوده اید؟</p> <p>الف. من هرگز نیازمند اتکاء به آنها نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً نیازمند اتکاء به آنها نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من نیازمند اتکاء به آنها نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. اکثر اوقات من متکی به آنها بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور کامل متکی به آنها بوده ام <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۶. آیا شما در دو هفته اخیر می خواستید عملی می خواستید عملی را بر خلاف نظر خویشاوندانتان انجام دهید تا باعث خشمگینی آنها شوید؟</p> <p>الف. من هرگز نخواستم با آنها مخالفت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار من خواستم با آنها مخالفت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من خواستم با آنها مخالفت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات من خواستم با آنها مخالفت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همیشه با آنها مخالفت کردم <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۷. آیا شما در دو هفته اخیر بدون دلیل مناسبی برای چیزهایی که برای خویشاوندانتان اتفاق می افتادند نگران بوده اید؟</p> <p>الف. من بدون دلیل نگران نبوده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار من نگران بوده ام <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات من نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. من در تمام اوقات نگران بوده ام <input type="checkbox"/></p> <p>د. کاربردناپذیر: خویشاوندانم در قید حیات نیستند <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۸. آیا شما در طول دو هفته اخیر احساس کرده اید که روی هر کدام از خویشاوندانتان رازمین انداخته اید یا با آنها در هر زمانی سنگدل بوده اید؟</p> <p>الف. من هرگز احساس نکردم که آنها روی من رازمین انداختند <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من احساس کردم که آنها معمولاً روی من رازمین نینداختند <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من احساس کردم که آنها روی من رازمین انداختند <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً احساس کردم که آنها روی من رازمین انداختند <input type="checkbox"/></p> <p>د. من خیلی مطمئن هستم که آنها روی من رازمین انداختند <input type="checkbox"/></p>
<p>۳۹- آیا شما با همسرتان زندگی می کنید یا شما باشخصی از جنس مخالف در یک رابطه پایدار زندگی می کنید؟</p> <p>بله به سوالات ۴۶-۳۸ پاسخ دهید <input type="checkbox"/> خیر به سوال ۴۷ بروید <input type="checkbox"/></p>

<p>۴۰- آیا شما در طول دو هفته گذشته بحث بازی (گسترده‌ای) با همسر تان داشته‌اید؟</p> <p>الف. ما بحثی نداشتیم و خیلی خوب به توافق می‌رسیدیم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. ما معمولاً به خوبی به توافق می‌رسیدیم ولی بحث‌های کوچکی داشتیم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. ما بیش از یک بار بحث داشتیم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. ما چندین بار بحث داشتیم <input type="checkbox"/></p> <p>د. ما به طور دائم در حال بحث‌هایی بودیم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۱- آیا شما در دو هفته اخیر می‌توانستید درباره احساسات و مشکلات تان با همسر تان صحبت کنید؟</p> <p>الف. من همیشه توانستم به راحتی درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً توانستم درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من احساس کردم که قادرم درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً قادر نبودم درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هرگز قادر نبودم درباره احساساتم صحبت کنم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۲- آیا شما در طول دو هفته اخیر اصرار داشته‌اید که به روش خودتان در منزل عمل کنید؟</p> <p>الف. من اصلاً اصرار نداشتم که روش خودم را داشته باشم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً اصرار نداشتم که روش خودم را داشته باشم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات من اصرار داشتم که روش خودم را داشته باشم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً اصرار داشتم که به روش خودم عمل کنم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همیشه اصرار داشتم که به روش خودم عمل کنم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۳- آیا شما در طول دو هفته اخیر بر همه چیز در مورد همسر تان کنترل داشته‌اید؟</p> <p>الف. تقریباً هیچ وقت <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک بار <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات <input type="checkbox"/></p> <p>د. همیشه <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۴- در این دو هفته اخیر احساس کرده‌اید که چقدر به همسر تان وابسته‌اید؟</p> <p>الف. من مستقل بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً مستقل هستم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من مقداری وابسته بودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً وابسته بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من برای همه چیز به همسرم وابسته بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۵- در طول دو هفته اخیر چه احساسی نسبت به همسر تان داشته‌اید؟</p> <p>الف. من همیشه احساس علاقه داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. معمولاً احساس علاقه داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدوداً نیمی از اوقات احساس تنفر و نیمی از اوقات احساس علاقه داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً احساس تنفر داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همیشه احساس تنفر داشتم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۶- شما و همسر تان چند بار آمیزش جنسی داشته‌اید؟</p> <p>الف. بیش از یک بار در یک هفته <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار در هفته <input type="checkbox"/></p> <p>ج. یکبار در دو هفته <input type="checkbox"/></p> <p>چ. کمتر از یکبار در دو هفته ولی حداقل یک بار در یک ماه اخیر <input type="checkbox"/></p> <p>د. نه در یک ماه اخیر یا نه در حال حاضر <input type="checkbox"/></p>

<p>۴۷. آیا شما در این دو هفته اخیر در آمیزش جنسی مشکلی مثلادر داشته اید؟</p> <p>الف. اصلاً <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدود انیمی از اوقات <input type="checkbox"/></p> <p>چ. کثر اوقات <input type="checkbox"/></p> <p>د. همیشه <input type="checkbox"/></p> <p>کاربردناپذیر: عدم آمیزش در ۲ هفته اخیر <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۸. شما در دو هفته اخیر درباره آمیزش جنسی چه احساسی داشته اید؟</p> <p>الف. من همیشه از آن لذت می بردم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً از آن لذت می برم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدود انیمی از اوقات از آن لذت می برم و حدود انیمی از اوقات از آن لذت نمی برم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً از آن لذت نمی برم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هرگز از آن لذت نمی برم <input type="checkbox"/></p>
<p>۴۹. آیا شما در طول دو هفته اخیر به آنچه که فرزندانتان انجام می دادند (در مدرسه، بازی و سرگرمی ها) علاقه داشته اید؟</p> <p>الف. من همیشه علاقمند و به طور فعالی درگیر بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً علاقمند و درگیر بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدود انیمی از اوقات علاقمند بودم و حدود انیمی از اوقات علاقمند نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً بی علاقه بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من همیشه بی علاقه بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۵۰. آیا شما در طول دو هفته اخیر برای صحبت با فرزندانتان و گوش کردن به آنها توانا بوده اید؟ شامل فرزندتان بالاتر از ۲ سال.</p> <p>الف. من همیشه برای ارتباط با آنها توانا بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً برای ارتباط با آنها توانا بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدود انیمی از اوقات من توانستم با آنها ارتباط برقرار کنم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولاً برای برقراری ارتباط توانا نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور کلی برای برقراری ارتباط ناتوان بودم <input type="checkbox"/></p> <p>کاربردناپذیر: عدم وجود فرزندتان بالای ۲ سال <input type="checkbox"/></p>
<p>۵۱. آیا شما در طول دو هفته اخیر با فرزندانتان به توافق می رسیده اید؟</p> <p>الف. من بحثی نداشتم و خیلی خوب با آنها به توافق می رسیدم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولاً به خوبی به توافق می رسیدم ولی بحث های کوچکی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. من بیش از یک بار بحث داشته ام <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من چندین بار بحث داشته ام <input type="checkbox"/></p> <p>د. من به طور دائم در حال بحث هایی بودم <input type="checkbox"/></p>
<p>۵۲. شما در این دو هفته اخیر چه احساسی نسبت به فرزندانتان داشته اید؟</p> <p>الف. من همیشه احساس علاقمندی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من اکثر احساس علاقمندی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدود انیمی از اوقات احساس علاقمندی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات احساس علاقمندی نداشتم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من هرگز احساس علاقمندی نسبت به آنها نداشتم <input type="checkbox"/></p>

<p>۵۳. آیا شما در طول دو هفته اخیر بدون هیچ دلیلی نگرانی ای درباره همسرتان یا هر کدام از فرزندانان داشته اید حتی اگر هم با هم زندگی نمی کنید؟</p> <p>الف. من هرگز نگران نبودم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. یک یا دو بار نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودا نیمی از اوقات نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. اکثر اوقات نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>ح. همیشه نگران بودم <input type="checkbox"/></p> <p>د. کابردناپذیر: همسر یا فرزند در قید حیات نیستند <input type="checkbox"/></p>
<p>۵۴. آیا شما در طول دو هفته اخیر احساس کرده اید که روی همسر یا فرزندانان را در هر زمانی زمین انداخته اید؟</p> <p>الف. من اصلا احساس نکردم که روی آنها را زمین انداختم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولا احساس نکردم که روی آنها را زمین انداختم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودا نیمی از اوقات من احساس کردم که روی آنها را زمین انداختم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من اکثر اوقات احساس کردم که روی آنها را زمین انداختم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من مطمئنم که آنها روی من را زمین انداخته اند <input type="checkbox"/></p>
<p>۵۵. آیا شما در طول دو هفته اخیر پول کافی برای برآورده ساختن نیازهای مالی خود یا خانواده تان داشته اید؟</p> <p>الف. من پول کافی برای احتیاجات داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ب. من معمولا با وجود مشکلات کوچکی پول کافی داشتم <input type="checkbox"/></p> <p>ج. حدودا نیمی از اوقات من پول کافی نداشتم ولی پول قرض نگرفتم <input type="checkbox"/></p> <p>چ. من معمولا پول کافی نداشتم و مجبور بوده ام که از دیگران قرض کنم <input type="checkbox"/></p> <p>د. من مشکلات مالی بزرگی داشتم <input type="checkbox"/></p>

پرسشنامه مسؤولیت پذیری وقانونمندی

پاسخگوی عزیز: لطفاً به پرسشنامه زیر که مربوط به تجربیات یا تمایلات احتمالی شماست به دقت بخوانید و جواب مورد نظر خود را با علامت ضربدر (X) مشخص کنید.

ردیف	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱					آدم باید خودش را مرتب و پاکیزه نگه دارد.
۲					من به خوبی می توانم طوری برنامه ریزی کنم که کارهایم به موقع انجام شوند.
۳					در کارهایم خیلی با برنامه نیستم.
۴					سعی می کنم وظایفی که بر عهده ام هست را با وجدان کار انجام دهم.
۵					دارای اهداف مشخصی هستم و برای این اهداف برنامه دارم.
۶					دارای اهداف مشخصی هستم و برای این اهداف برنامه دارم.
۷					قبل از شروع هر کاری وقت زیادی را تلف می کنم.
۸					برای دستیابی به اهداف خودم سخت تلاش می کنم.
۹					وقتی انجام کاری را متعهد می شوم مردم می توانند همیشه مطمئن باشند که کار را پیگیری می کنم.
۱۰					گاهی آنقدری که خودم می خواهم، قابل اعتماد نیستم.
۱۱					من آدم سازنده و مولدی هستم که همیشه کارها را به ثمر می رساند.
۱۲					به نظر نمی رسد هرگز بتوانم کارهای خود را نظم و ترتیب بدهم.
۱۳					به نظر نمی رسد هرگز بتوانم کارهای خود را نظم و ترتیب بدهم.
۱۴					سعی می کنم کارهایی که بر عهده من است در حد عالی انجام شوند.
۱۵					در برابر تحقیر شدن از سوی دیگران بسیار حساس هستم.
۱۶					به طور مزمین خشمگین و ناراحت هستم و زود دلخور می شوم.
۱۷					در مواقعی اتفاق افتاده که احساس بی ارزش بودن می کنم.
۱۸					من مستقل هستم و کار خودم را می کنم و کاری به عوامل محدودکننده اجتماع ندارم.
۱۹					نسبت به دیگران نیاز من به دست زدن به اقدامات خطرناک برای رسیدن به هیجان زیاد است.
۲۰					در مواقعی به قدری خوشبین می شوم که فراتر از واقعیت های زندگی ام حرکت می کنم.
۲۱					اغلب دست به کارهایی می زنم، یا وسوسه می شوم که دست بزنم که جامعه آنها را ممنوع کرده است.
۲۳					وقتی جوان بودم با قلدری و زورگویی به خواسته هایم می رسیدم.
۲۴					در نوجوانی گاه اقدام به خلاف های جزئی می کردم، مثلاً از فروشگاه ها اقلامی را بلند می کردم یا با سرعت غیرمجاز رانندگی می کردم.
۲۵					به راحتی خویشتن داری ام را از دست می دهم.
۲۶					آدمی در انتخابات شرکت نکنند شهروند خوبی نیست.

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	ردیف
					۲۷ در زندگی کارهای عجیب و غریبی کرده ام.
					۲۸ تقلب در گزارش دهی مالیاتی، مثل دزدی از دولت است.
					۲۹ خوب است که آدم برای حل مشکلات اش پارتی داشته باشد.
					۳۰ در مدرسه بیشتر اوقات والیبال یا فوتبال بازی می کردم.
					۳۱ وقتی کسی به من بدی می کند، احساس می کنم که فقط به خاطر عدالت باید تلافی کنم.
					۳۲ هرکسی وظیفه دارد که اطراف خانه اش را تمیز نگاه دارد و از ریختن زباله سرکوپه خودداری کند.
					۳۳ هردانش آموزی نباید درمدرسه زباله بریزد چون خانه دوم دانش آموزان است.
					۳۴ رعایت قوانین مدرسه برای دانش آموزان لازم و ضروری است.
					۳۵ به مدرسه علاقه دارم.
					۳۶ بایدبه فکرملت خودمان باشیم، سرنوشت جهان به ما ربطی ندارد.
					۳۷ وقتی بی حوصله می شوم دوست دارم سروصدا به پاکتم.
					۳۸ ازبرافروختن آتش لذت می برم.
					۳۹ رعایت قانون خوب است مشروط به اینکه کلاه شرعی نباشد.
					۴۰ مانباید منافع شخصی را بر منافع عمومی ترجیح دهیم.
					۴۱ وقتی درجمعی مشغول به کار می شوم، دوست دارم مسئولیت کارها را بپذیرم.
					۴۲ نمره انضباط من در دوران تحصیل همیشه بد بود.
					۴۳ وقتی خودم در مسابقه یا بازی شرط بندی کرده باشم از آن لذت می برم.
					۴۴ اغلب مردم به حق خود قانع نیستند.
					۴۵ هرگزسوء پیشینه یا سابقه قضایی نداشته ام.
					۴۶ وقتی می شنوم که بی جهت کسی را از حق رای خود محروم کرده اند خشمگین می شوم.
					۴۷ وظیفه هرکسی است که از والدین خود مواظبت کند، حتی این کار مستلزم ازخود گذشتگی زیاد باشد.
					۴۸ ملت‌های دیگر خود مسئول مشکلاتشان می باشند، مشکل آنها به ما ربطی ندارد هرکس مسئول اعمال خود است.
					۴۹ اگر درموقع خرید مغازه ای به من پول اضافه ای بدهد، همیشه آن را به خودش برمی گردانم.
					۵۰ ما در مقابل اهل علم سر تعظیم فرود می آوریم چون آنها سرمایه کشورمان هستند.